**٦١ - کوشیدن در آبادانی و امانت و خدمت بمملکت و دولت و ملّت و اجتناب از رشوت**

و نیز در کتاب اقدس است قوله العزیز : عمّروا دیارَ اللّه و بلادَه ثم اذکروه فیها بترنّماتِ المقرّبین .

و از حضرت عبدالبهاء است قوله البلیغ : نفوسی که به خدمات مخصوصند و در امور اداره منصوب باید چاکران صادق باشند و بندگان موافق یعنی به خصائل حمیده و فضائل پسندیده متصّف گردند و به مقرّری خویش قناعت کنند و به صداقت رفتار نمایند از حرص بیز‌ار شوند و از طمع در کنار گردند زیرا عفّت و عصمت و استقامت از اعظم وسائل حصول موهبت و معموریّت مملکت و راحت رعیّت است و شرف و منقبت انسان به غناء و ثروت نیست علی الخصوص ثروت غیر مشروعه از اموال منهوبه و ارتکاب و ارتشاء از رعایای مظلومه بلکه علوّ همت و سموّ فطرت و بزرگواری عالم انسانی و کامرانی در این جهان و جهان باقی عدالت و راستی است و پاکی و آزادگی ، فخر انسان در اینست که بمؤنۀ زهیده قناعت نماید و سبب سعادت فقرای رعیت شود و عدل و انصاف را مسلک خویش کند و همّت و خدمت را منهج خود قرار دهد این شخص ولو محتاج باشد ولی بر گنج روان پی برد و عزّت ابدیه حصول نماید ای یاران در چنین وقتی الطاف پادشاهی و عدالت شهریاری را غنیمت شمرید دمی نیاسائید و آنی استراحت نجوئید شب و روز بکوشید تا مصدر خدمتی گردید که سبب عزّت دولت ابد مدت و راحت و نعمت فقراء و رعیت گردد اگر بدانید که این منقبت در درگاه احدیّت چقدر مقبول است البته جانفشانی مینمائید و به نهایت آسانی کشور ایران را رشک جنّت رضوان میکنید و علیکم التّحیة و الثناء ع ع

و قوله الحکیم : احباء در امور سیاسیّه مداخله ندارند ... اما اگر نفسی از احبّای الهی در خدمتی از خدمات دولت و ملّت تعیین شود باید به جان و دل بکوشد و بنهایت صداقت و امانت ایفای وظیفۀ خویش نماید ... بلکه باید بکوشد تا در دوائر حکومت استخدام گردد و به عدل و انصاف پردازد و همّت و غیرت نماید بلکه انشاء الله به خدمتی صادقانه بدولت و ملّت مؤیّد شود .

و قوله الدّقیق : اگر نفسی در نزد ادارۀ از اداره‌های خارجه موظّف باشد باید در نهایت صداقت و امانت بآن اداره خدمت کند آرام نگیرد و استراحت ننماید تا آنچه مکلّف بآن است در خدمت آن اداره مجری دارد و هر چه بیشتر بذل همت کند بهتر است ولی بشرط انکه ضرر بدولت متبوعۀ خویش و مملکت و وطن نداشته باشد اگر چنانچه انسان چشم ازین بپوشد مخالف علویّت عالم انسانی است و ممنوع بموجب نصوص قطعیّۀ ربانی .

قوله الکریم : هر ذلّتی را تحمل توان نمود مگر خیانت بوطن و هر گناهی قابل عفو و مغفرت است مگر هتک ناموس دولت و مضرّت ملّت .

و قوله الجمیل : شب و روز بکوشید تا حکومت عادلۀ پادشاهی از شما راضی باشد و به جان و دل به صداقت و خیر خواهی دولت ابد مدت قیام نمایند به قسمی که رعیّت در نهایت ثبوت و رسوخ بخدمت راعی عادل پردازند و جمیع مأمورین از صغیر و کبیر باید در نهایت عصمت و عفّت و استقامت و بجیره و مواجب جزئی خویش قناعت نمایند و دست و دامن را پاک دارند و به طهارت و عدالت تامّه به کمال صداقت و همّت به خدمت شهریار محترم خویش پردازند اگر نفسی به حکومت عادله خیانت کند به خدا خیانت کرده است و اگر خدمت کند بخدا خدمت کرده است .

و قوله العزیز : شما که خیرخواه دولتید و صادقید و مطیع حکومتید و موافق همواره به خدمت پردازید و هر یک که در دربار دولت مستخدم گردید باید بنهایت راستی و حقیقت پرستی و عفّت و پاکدامنی و تنزیه و تقدیس و عدالت و انصاف سلوک و حرکت نمائید و اگر چنانچه معاذ اللّه یکی ذرۀ خیانت کند و یا در امور موکوله خویش تهاون و سستی نماید و یا خود مقدار دیناری بر رعیت تعدّی کند و یا آنکه منفعت خصوصی خویش جوید و فوائد شخصی طلبد البتّه محروم از فیوضات حضرت پروردگار شود زنهار زنهار در آنچه تحریر یافت قصور ننمائید .

و در لوحی است قوله الجلیل : پس احبای الهی بجان و دل بکوشید و به نیّت خالصه و ارادۀ صادقه در خیرخواهی و اطاعت دولت ید بیضاء بنمائید این امر از اهمّ فرائض دین مبین و نصوص قاطعۀ کتاب علییّن است این معلوم است که حکومت بالطّبع راحت و آسایش رعیت خواهد و نعمت و سعادت اهالی جوید و در حفظ حقوق عادلۀ تبعه و زیردستان راغب و مائل و در دفع شرور متعدّیان ساعی و صائل است زیرا عزّت و ثروت رعیت شوکت و عظمت و قوت سلطنت باهره و دولت قاهره است و نجاح و فلاح اهالی منظور نظر اعلیحضرت شهریاران است و این قضیه امر فطری است ...

و از آن حضرت در رساله سیاسیه است قوله الکریم : دولت و حکومت در مَثل مانند رأس و دماغ است و اهالی و رعیّت بمثابه اعضاء و جوارح و ارکان و اجزاء رأس و دماغ که مرکز حواسّ و قوی است و مدبّر تمام جسم و اعضاء چون قوّت غالبه یابد و نفوذ کامله علَم حمایت افرازد و بوسائط صیانت پردازد تدبیر حوائج ضروریّه کند و تمهید فواتح و نتائج مستحسنه و جمیع توابع و جوارح در مهد آسایش و نهایت آرامش بکمال آرایش بیاسایند و اگر در نفوذش فتوری حاصل شود و قوّتش قصوری ملک بدن ویران گردد و کشور تن بی‌امن و امان و هزار گونه آفت مستولی شود و سعادت و آسایش جمیع اجزاء مختل گردد همچنین چون قوای حکومت نافذ باشد و قوایش غالب مملکت آرایش یابد و رعیت آسایش و اگر قوّتش تحلیل گردد بنیان سعادت و راحت رعیّت متزلزل و منهدم شود چه که حافظ و حارس و رابط و ضابط و رادع و مانع لازم حکومت است و چون حکومت شبان رعیت بود و رعیت به وظائف تابعیت قیام نماید روابط التیام محکم گردد و وسائط ارتباط مستحکم .

و قوله الجلیل : انسان را عزّت و بزرگواری براستی و خیرخواهی و عفّت و استقامت است نه به زخارف و ثروت اگر نفسی موفّق بر آن گردد که خدمت نمایان به عالم انسانی علی الخصوص به ایران نماید سرور سروران است و عزیزترین بزرگان ، این است غنای عظیم و این است گنج روان و این است ثروت بی‌پایان و الّا ننگ عالم انسانی است ولو در نهایت شادمانی است چقدر انسان باید که غافل و نادان باشد و پست فطرت و پست طینت که خود را به اوساخ ارتکاب و خیانت دولت بیاراید واللّهِ حشرات ارض ازو ترجیح دارند .

و قوله المتین : یاران باید در نهایت اطاعت و انقیاد به سریر تاجداری باشند و به خدمت و صداقت پردازند و در آسایش مملکت ید بیضاء نمایند هر یک در دائرۀ حکومت مستخدم‌اند باید مأموریت را اسباب تقرّب بدرگاه کبریا نمایند و به عفّت و استقامت پردازند و از رشوت و ارتکاب بکلّی بیزار گردند و به مقررّی قناعت کنند و مدار افتخار را عقل و کفایت و درایت دانند اگر نفسی برغیفی از نان قناعت کند و به اندازۀ خویش به عدالت و انصاف پردازد سرور عالمیان است و ممدوحترین آدمیان ، بزرگوار است ولو کیسه تهی سرور آزادگان است ولو جامه کهنه و عتیق .

و قوله المنیر : بهائیان جان فدای جهانیان نمایند و پرستش نوع انسان کنند ولی به نصّ قاطع مأمور بآن‌اند که در هر مملکتی که هستند به حکومت آن مملکت در نهایت صدق و امانت باشند

و در رساله مدنیّه قوله الهادی : سدّ ابواب رشوت و برطیل الیوم بتعبیر ملیح پیشکش و تعارف معبّر .

و در سفرنامه اروپاست قوله العزیز : حال باید ما در ترقی زراعی و صناعی و تجاری ایران بکوشیم ولو استقلال رفته باشد ایران نمیرود و چون بتحسین اخلاق ملّت پردازیم هر قسم ترقّی در آن هست اگر بهائیان بآنچه مأمورند قیام و عمل نمایند مدتی نمیگذرد که منتهی آمال جلوه نماید و مملکت ایران غبطۀ جنان و روضه رضوان شود .

و قوله الجمیل : احبای الهی را همواره دلالت و وصیّت نمائید که جمیع شب و روز به آنچه سبب عزّت ابدیۀ ایران است پردازند و در تحسین اخلاق و آداب و بذل همت و مقاصد ارجمند و الفت و محبّت و ترقی و اتسّاع صناعت و زراعت و تجارت سعی بلیغ و جهد عظیم مبذول دارند .

و قوله المبین : باید در انجمن عالم چون شمع روشن بسوزند و بدرخشند و چون ستارۀ صبحگاهی نور بخشند به جمیع فضائل و خصائل حمیدۀ عالم انسانی شهیر آفاق گردند و بدر منیر اهل اشراق ، قدر نیکوکاران بدانند و پاس التفات بزرگان بدارند و در خدمت عادلان رعیت پرور بکوشند و در جانفشانی در راه سروران داور فریادرس کوتاهی ننمایند .

و در رسالۀ سیاسیّه از آن حضرت قوله الحکیم : ای احبای الهی ... و در صدق نیت با خلوص فطرت و طیب طینت و خیر دولت ید بیضائی بنمائید تا در انجمن عالم مجمع امم مثبوت و محقق گردد که شمع روشن عالم انسانی و گل گلشن جهان الهی هستید گفتار ثمری ندارد و نهال آمال بری نیارد رفتار و کردار لازم .